
علی دشتی و نقد ادبی

ایرج پارسینژاد



سرشناسه	: پاریسی نژاد، ایرج، ۱۳۱۷ -
عنوان و پدیدآور	: علی دشنی و نقد ادبی / ایرج پاریسی نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: سپهر، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص.
شابک	: 978 - 964 - 372 - 232 - 6
وضعیت فهرست نویسی	: فنی.
یادداشت	: نمایه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۴۱-۲۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: دشنی، علی، ۱۳۷۲ - ۱۳۶۰. - نقد و تفسیر.
رده بندی کنگره	: ۸۰۴۳ / پ ۲۸ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۲ / ۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۶۸۰۴۴



انتشارات سخن

علی دشتی و نقد ادبی

ایرج یارسی‌نژاد

چاپ نخست: ۱۳۸۷

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لبتوگرافی: کوثر ۸۸۸۲۹۹۵۹

چاپ: جاووشگران نقش

حق چاپ و نشر محفوظ است.

خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، شماره ۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۰۵۰۶۲ - ۶۶۴۰۵۰۶۳

شماره: ۶ - ۲۳۲ - ۲۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

همه حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

۵۵۰۰ تومان

فهرست

زندگی‌نامه ۱۳

فصل اول - سنایه ۱۹

پادشاه نثر ۲۱

فردوسی یا حافظ ۲۶

مد جدید نویسنده‌گی ۲۹

در میان پیغمبرها جرجیس ۳۲

اندیشه‌هایی درباره شعر نو ۳۶

فصل دوم - نقد شعر صوفیه ۴۳

شعر و نثر صوفیه ۵۵

فصل سوم - نقشی از حافظ ۶۱

زبان فایده حافظ ۶۸

حافظ در اوج بلاغت ۷۵

حافظ در جهان اندیشه ۷۶

۷۷	حافظ رنج می برد
۷۹	هنر حافظ
۸۰	انجام
۸۱	حاصل گفتار
۸۷	فصل چهارم - سیری در دیوان شمس
۹۰	تفلسفات، شعریات
۹۴	نخستین برخورد با مولانا
۹۵	قالب بی روح (ترجیح لفظ بر معنی)
۹۷	مبدع تعبیر آفرین
۹۸	عرفان در سیمای عشق
۹۹	کوزه ادراکها تنگتر از تنگناست
۱۰۱	اشراق به جای دلیل
۱۰۱	طوفان و آرامش
۱۰۴	روح بهناور
۱۰۷	فضل پنجم - در قلمرو سعدی
۱۰۹	خط منحنی
۱۱۱	ابداع سعدی
۱۱۵	انوری و سعدی
۱۱۸	ناصر خسرو - سعدی
۱۲۱	ترجیع بند سعدی
۱۲۲	معاصران سعدی
۱۲۴	گلستان
۱۳۶	حکایت جدال سعدی با مدعی

۱۳۸	بوستان
۱۴۲	جلوه گاه شخصیت سعدی
۱۴۵	استاد غزل
۱۴۸	سعدی در منطقه فکر و عقیده

فصل ششم - شاعری دیرآشنا ۱۵۲

۱۶۳	فصل هفتم - دمی با خیام
۱۶۵	خیام شاعر
۱۷۲	نقد دمی با خیام

فصل هشتم - کاخ ابداع ۱۷۷

۱۸۱	فرزانه
۱۸۲	شیوه رندی و مستی
۱۸۳	بر لب بحر فنا
۱۸۴	عشق و غزل
۱۸۵	شکایت
۱۸۵	مدایح حافظ
۱۸۶	نکته ها

فصل نهم - نگاهی به ضائب ۱۸۹

۱۹۳	مسحور ضائب
۱۹۴	پیشوای ضائب

۱۹۴	نخستین بیت صائب
۱۹۹	شاعر نکته پرداز
۲۰۱	فصل دهم - تصویری از ناصر خسرو
۲۲۷	فصل یازدهم - حاصل گفتار
۲۳۹	کتاب شناسی مراجع
۲۴۳	فهرست راهنما

این دفتر بحثی است در ادامه روشنگران ایرانی و نقد ادبی که پیش ازین منتشر شده بود. در آن کتاب افکار و آثار میرزا فتح علی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، زین العابدین مراغه‌ای، طالبوف تبریزی، احمد گسروی و صادق هدایت، در حوزه نقد ادبی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بود و سهم هریک در نگرش انتقادی بر ادبیات باز نموده شده بود.

در ادامه کار کتاب نخستین یادداشت‌هایی درباره میراث نقد ادبی محمدتقی بهار، فاطمه سیاح، نیما یوشیج، علی دشتی، احسان طبری و پرویز ناتل خانلری فراهم آمده است که پیش از نشر آنها در یک کتاب، هریک در دفتری جداگانه، منتشر خواهد شد.

این دفتر به آثار نقد ادبی علی دشتی نویسنده، منتقد و سیاستمدار نام‌آور معاصر ایران اختصاص می‌یابد. کوشیده‌ام از آثار بسیار او در بررسی و نقد ادبیات، تحلیلی انتقادی ارائه شود و ضعف و قوت کارهایش باز نموده شود.

امیدوارم با نشر همگی این دفترها تصویری روشن و کامل از آثار نخستین منتقدان ادبی معاصر ایران، به دور از گرایش‌های سیاسی و اجتماعی ایشان، ارائه شود.

ایرج پارسى نژاد

لوس آنجلس - اردیبهشت ۱۳۸۶

زندگی‌نامه

علی دشتی در ۱۱ فروردین ۱۲۷۳/۱۸۹۴ در کربلا زاده شد. پدرش شیخ عبدالحسین دشتستانی روحانی محترمی بود که گاه در کربلا و نجف اقامت داشت و گاه در موطن اصلی خود دشتستان و بوشهر به سر می برد. دشتی در کربلا و نجف و بغداد علوم دینی را فراگرفت و در ۱۹۱۶/۱۹۲۷، در جنگ جهانی اول، همراه پدر و برادرانش به ایران آمد و پس از اقامت در بوشهر، دشتستان، برازجان و بندرعباس، مدتی در شیراز به سر برد و پس از دو ماهی اقامت در اصفهان به تهران آمد.

در اصفهان بود که از قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله آگاه شد. شیخ علی دشتی با نوشتن مقاله‌ای در مخالفت با آن قرارداد وارد کار روزنامه‌نویسی و سیاست شد. در تابستان ۱۲۹۹/۱۹۲۰ به زندان رفت و از تهران تبعید شد. در همدان بود که دولت و ثوق الدوله سقوط کرد و مشیرالدوله سرکار آمد. پس از مدتی اقامت در کرمانشاه در زمان زمامداری سپهدار به تهران آمد و به نوشتن مقاله‌های سیاسی پرداخت. دوباره به زندان رفت و پس از آزادی از زندان در سوم اسفند ۱۲۹۹/۱۹۲۰ با کودتای سید ضیاءالدین طباطبائی گرفتار حبس شد. در این زمان بود که ایام محبس را نوشت. این نوشته نخست در پاورقی روزنامه شفق سرخ در شرح حوادث زندانیان سیاسی، منتشر شد، بعد همراه با یادداشت‌های تبعید در زمان حکومت

و ثوق الدوله به صورت کتاب (۱۳۰۱/۱۹۲۲) انتشار یافت.

ایام مجبوس در ادبیات فارسی، نخستین اثر در گزارش زندان سیاسی است که نشر ساده آن در رواج ساده نویسی در کار نویسندگان و روزنامه‌نویسان زمانه بی‌اثر نبود.^۱ هرچند که مضمون آن جز مشتی شعارهای سطحی و عوام‌پسندانه و جمله و پرخاش و نفی و انکار ثروت و تمدن جدید و عقل چیزی نیست.^۲

شیخ جوان بر آن است که «عقل، این قوه‌ای که اشرف مواهب طبیعه‌اش می‌خوانند، بیش از هر چیز مورث بدبختی است» و «تمدن غیر از محنت و بدبختی در دنیا چه نتیجه‌ای دارد؟ تمدن یعنی همان قوانین، همان رسوم و آداب، همان علوم، همان صنایع... جز بدبختی چه نتیجه‌ای داده است؟ باید این تمدن ظالم را ویران کرد و بر آثار و خرابه‌های او توجشی که نسبتاً به سعادت نزدیک‌تر باشد برپا نمود»^۳.

گفته‌اند که دشتی در زندان هلوتیز جدید^۴، اثر ژان ژاک روسو را با خود داشته و نوشتن ایام مجبوس تحت تأثیر روسو و رمانتیک‌های فرانسه در بیزاری از تمدن و روی آوردن به طبیعت بوده است.^۵ اما حقیقت این است که شیخ جوان، در بیست و هشت سالگی، جز شور و هیجان و التهاب و افکار آشفته و متناقض چیزی در سر نداشته است. او در عین حال که ثروت و تمدن و علوم و صنایع جدید و حتی عقل و خرد را نفی می‌کند از

۱. جلال همایی می‌نویسد: «با انتشار ایام مجبوس مکتبی نو در جهان نشر گشوده شد و اگر بگویم دشتی پدر نشر تازه فارسی است سخنی به‌گزاف نگفته‌ام.» دشتی در تاریخ و ادب معاصر ایران، مهدی ماحوزی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵.

۲. همین حرف‌ها را پنجاه سال بعد جلال آل‌احمد در نفی و انکار تمدن و علوم و صنایع جدید و پناه بردن به اسلام در غرب‌زدگی تکرار کرد.

3. *La nouvelle Héloïse* (The New Heloise), 1761

۴. نگاه کنید به بحبی آرین پور، از نیما تا روزگار ما، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴.

«اصول سوسیالیسم» دم می‌زند و خطاب به ثروتمندان هشدار می‌دهد:
ای مزدورهای سعادت دیگران، ای شمایی که به‌قوة الفاظ مجوف
اصول سوسیالیسم را مخالف عمران و تکامل تمدن می‌دانید. بس
است. یک قدری عمیق شوید. به فلسفه حیات و زندگانی مراجعه
کنید و منتهی‌الیه زندگانی را جستجو نمایید.

شیخ علی دشتی پس از رد و انکار همه مظاهر فکر و فلسفه و تمدن
جدید سرانجام به اسلام پناه می‌برد و آن را راه رستگاری می‌داند:
عقاید خشک مادیون و طبعیون اینها را به طرف پأس، ناامیدی،
بدبختی و قنات و بالتبعه جرایم و جنایات می‌کشاند؛ همچنان
که عقاید تصوف به‌سوی ذلت و نکبت و اسارت سوق می‌دهد.
پس بهترین طریق برای سعادت‌مند کردن مردم، یعنی ایجاد سعادت
نسبی، همان حدودی است که تعالیم یک دیانتی مانند اسلام برای
پیروان وظایف طبیعی و اخلاق تعیین کرده است...^۱

دشتی پس از برافتادن دولت سید ضیاءالدین طباطبائی و آزادی از
زندان به کار روزنامه‌نویسی پرداخت. پس از همکاری با میرزا
حسین خان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران و توقیف آن روزنامه، خود
به‌نشر روزنامه‌ای مستقل پرداخت و در ۱۱ اسفند ۱۳۰۰/۱۹۲۱ نخستین
شماره روزنامه شفق سرخ را منتشر کرد و نویسندگان جوان و بااستعداد را

۱. شگفت این جاست که پنجاه سالی بعد از شیخ علی دشتی در ایام مجس، جلال
آل‌احمد پس از سر سپردن به مارکسیسم و سوسیالیسم در غرب زدگی به اسلام
باز می‌گردد.

گفته‌اند: «نویسنده با همان لطف و زیبایی که بایرن زندانی شیلون (۱۸۱۶) را وصف کرده
است، احساسات و انطباعات خود را از بند و زندان بیان می‌کند.» یحیی آرین پور، پیشین،
ص ۳۲۳. اما، هیچ شباهتی بین اثر بایرن (Byron) (۱۷۸۸-۱۸۲۴)، که از شاهکارهای
ادبیات رمانتیک جهانی است، با پراکنده‌گری‌های دشتی در ایام مجس نیست.

گرد خود آورد؛ نویسندگانی که در سال‌های بعد هریک در زمینه‌ای از ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران نام آور شدند. دشتی سال‌ها بعد در یادى از رشید یاسمی، از همکاری دیگر نویسندگان شفق سرخ، چنین نوشت:

رشید نخستین همکار من در شفق سرخ و بلکه مشوق و مؤید من در تأسیس آن بود... رشید به تهران منتقل شده بود. ستون انتقاد ادبی روزنامه، از همان شماره نخست، به رشید اختصاص داشت. او سعید نفیسی و چند تن از اهل ادب را به همکاری در شفق سرخ دعوت کرد، به طوری که حوزه دوستان و همکاران شفق سرخ از همنام کار رونق گرفت. به تدبیر، و اندکی پس و پیش، نصراله فلسفی، رضا هنری، مجتبی طباطبایی، رضا شهرزاد، محمود عرفان، محمد سمعی، بدیع الزمان فروزانفر، سید احمد صانی نجفی (بهترین مترجم رباعیات خیام به عربی)، لطفعلی صورتگر، احمدی بختیاری، میرزا آقاخان فریار، سید فخرالدین شادمان، یحیی ریحان و غیره گرد هم آمدند. حوزه‌ای دوستانه، که عباس خلیلی اسم آن را افسار سرخ گذاشته بود، رونق گرفت.^۱

دشتی در نخستین شماره‌های شفق سرخ رضاخان سردار سپه را با مقاله‌های بی‌پرده و ملامت‌آمیز خود مورد انتقاد قرار داد. سردار سپه، با آن که وزیر جنگ مقتدری بود، این مقاله‌های انتقادی را تحمل کرد، تا آن جا که دشتی به او نزدیک شد و «قلم و زبان و فکر خود را در اختیار مقاصد میهن پرستانه حضرت اشرف گذاشت»^۲ و او را برای مقام

۱. «نخستین همکار ادبی من»، اطلاعات، شماره ۱۴۲۲۰، ص ۱۵. به نقل از: هوشنگ

اتحاد، پژوهشگران معاصر، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۲۷.

۲. این که دشتی و دوست او، ابراهیم خواجه‌نوری، ادعا کرده‌اند در تمام مدت سلطنت دیکتاتوری رضاشاه یک مقاله تملق‌آمیز از دشتی منتشر نشد درست نیست. علاوه بر

زیاست جمهوری نامزد کرد، اما همزمان با محدود شدن آزادی مطبوعات و قدرت مطلق سردار سپه، دشتی از کار روزنامه‌نویسی کناره گرفت و اداره شفق سرخ را به همکارش مایل توسزگانی وا گذاشت؛ تا این که سرانجام این روزنامه توقیف شد و دشتی بار دیگر به زندان افتاد و چهارده ماه در زندان و یا در خانه تحت نظر ماند تا آزاد شد. دشتی در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ برای شرکت در جشن دهمین سال انقلاب روسیه به مسکو رفت و چند ماهی در کشورهای اروپایی به سر برد.

با آغاز جنگ جهانی دوم و برکناری رضاشاه دشتی در سخنرانی خود در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ در مجلس شورای ملی به فروغی، نخست‌وزیر، هشدار داد که پیش از خروج شاه از ایران به حساب بیست ساله زمامداری او رسیدگی شود.

دشتی چند بار به نمایندگی مجلس شورای ملی و سنا انتخاب شد و مأموریت‌های دیگری مانند سفارت ایران در مصر و لبنان نیز به او واگذار شد. او پس از پیشامد تجزیه آذربایجان در اردیبهشت ۱۳۲۵ چند ماهی زندانی شد، تا آن که پس از آزادی به اروپا رفت و بیست ماهی در آنجا به سر برد. در خرداد ۱۳۲۷ به تهران بازگشت و پس از آن عنوان سناتورزی داشت. از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ سفیر ایران در قاهره بود. در ۱۳۲۹ در دولت حسین علا وزیر مشاور شد و از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ سفیر ایران در لبنان بود. دشتی پس از انقلاب اسلامی دوبار و هر بار حدود یک ماه زندانی و سپس آزاد شد. علی دشتی در ۲۶ دی ماه ۱۳۶۰ در تهران درگذشت.